



اعتراف سردار

● **محمدرضا نقدی**: چند روز پیش شاهد بودیم که بعضی روزنامه‌ها سخنان یکی از سرداران بزرگ نیروهای مسلح را دستمایه قرار دادند و تیترو «اعترافات دیرهنگام سردار» را برای آن برگزیدند. وقتی سخنان ایشان را دیدم، من هم کاغذ و قلم را برداشتم تا اعتراف‌نامه را بنویسم. دیدم اگر حمایت از افرادی که خوب بوده و بعد به خطا رفته‌اند، در دوره خوبی‌شان، جرم و گناه محسوب شود و باید بابت آن عذرخواهی کرد، پیش از مورد اخیر موارد خیلی مهم‌تری داشته‌ام که باید اول به آنها اعتراف کنم. اعتراف کنم نه‌فقط من بلکه گروه زیادی از مردم حزب‌الله ریختم توی خیابان و شعار دادیم «دروغ بر بارزان نخست‌وزیر ایران». اعتراف کنم بارها به اتفاق زمندگان و سرداران بزرگ دفاع مقدس به دیدار «مرحوم آق‌ای منتظری» رفتم و از ایشان حمایت‌های قاطع می‌کردیم. در پیشگاه ملت عزیز اعتراف کنم که روابط صمیمی با «مرحوم آقای هاشمی‌رفسنجانی» داشتم، نه‌فقط بنده بلکه اکثریت قریب‌به‌اتفاق نیروهای انقلابی لاقال در دور اول ریاست‌جمهوری ایشان به او رای دادند، از آن مرحوم حمایت کردیم. بنده حتی در حمایت از او سخنرانی هم کردم، رسماً در پیشگاه خدای متعال و خدمت مردم عزیز صادقانه اعتراف کنم که از «جناب آقای شیخ یوسف صائنی» به‌شدت حمایت کرده‌ام و بارها جمع مدیران و فرماندهان تحت مدیریت خودم را به دیدار ایشان برده‌ام. اعتراف کنم به «آقای احمدی‌نژاد» رای دادم، در دوره اول ریاست او مسئولیت پذیرفتم و به او کمک و از او حمایت کردم. رای دادن و حمایت از اینها که هنوز خود را جزو جریان انقلاب و اسلام می‌انند که چیزی نیست، حتی باید اعتراف کنم در یک دوره‌ای فیلم‌های فرد فاجر مقدسی مثل «محسن مخملباف» را که امروز فکرم قله‌به‌کوش صهیونیست‌هاست، ترویج و مردم را به دیدن آن تشویق کرده‌ام. اعتراف کنم در مجلس شورا و خبرگان به امثال موسوی خوینگی‌ها، موسوی‌پنجورچی، مهدی بارزان، هادی غفاری و... رای داده‌ام. اعتراف کنم با امثال عبدالله نوری، محسن میردامادی، محسن آرمین و... ارتباطاتی و همکاری‌های زیادی داشته‌ام و موارد فراوان اعترافات مشابه در دوره‌های مختلف زمان. و اعتراف کنم که همه این روابط را قطع کردم و دوستی‌ها را برهم زدم و حمایت‌هایم به مخالفت تبدیل شد ... می‌گویم اگر قرار است با احتمال انحراف افراد در آینده آنها را کنار بگذاریم دیگر کسی استثنا نمی‌شود، اگر به‌خطر حمایت از کسی که به‌طور فعال مشغول خدمت به مردم است به جهت انحراف بعدی او باید عذرخواهی شود اول از همه باید امام خمینی (ره) به‌خطر احکامی که به خیلی‌ها دادند و تعریف‌هایی که از خیلی افراد کردند که بعدا همان‌ها بدترین افراد شد عذرخواهی کنند.

نقد و نظر

فقر مطلق و غفلت‌های سیاست‌گذار

● **داود سوری**: عنوان این نوشتار، سوالی است که در گفت‌وگوی ویژه خبری از وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی پرسیده شد. او در ابتدا با اشاره به نابرابری در سطح کشور، بر داشتن سیاست و برنامه در مقابله با فقر و نابرابری تأکید و سپس عنوان کرد: «یک روزی بحث می‌شد که گفتند کییک اقتصاد گنده میشه، متأسفانه هنوز هم این دیدگاه بیان میشه، اقتصاد بزرگ میشه مردم خودشون وضعشون خوب میشه، بابا همچین چیزی اتفاق نمی‌افته. نظریه اومد که حالا ما بیاییم بازتوزیع درآمد کنیم، اونم ما دیدیم که به یک سیاست پوپولیستی تبدیل میشه و جواب نگرفتیم». بیان قاطع این عبارت و اعتقادبه‌نفس مثال‌زدنی این سیاست‌گذار اقتصادی در اظهار آن که بیش از هر چیز مدیون حضور در جعبه شیشه‌ای سیم‌ا و مصالحه یکطرفه است، این ذهنیت را در پهننده ایجاد می‌کند که به‌رغم بزرگ‌شدن کیک اقتصاد و استمرار افزایش فقر هنوز عده‌ای اصرار بر سیاست بیهوده بزرگ‌شدن کیک اقتصاد دارند و درس نمی‌گیرند و وزیر ناگزیر به تأسف‌خوردن برای آنها است.

درآمد سرانه کشور به‌عنوان سهم بالقوه هر ایرانی از کیک اقتصاد در سال ۱۳۹۵ به تعبیر مشاور و دستیار ویژه اقتصادی رئیس همین دولت، معادل ۷۰ درصد درآمد سرانه کشور در سال ۱۳۵۵ بوده است و این سهم از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۵ هیچ تغییری نکرده است. پس وقتی که در چهل سال گذشته کیک اقتصاد ایران بزرگ نشده است و مردم طعم بزرگ‌شدن آن را نچشیده‌اند، شایسته نیست که یافته‌های علمی و تجربی جامعه بشری را که دیگر شکی در آنها نیست، زیر سوال برد و برای ناصحان نیز از روی ناگایست خویش تأسف خورد... برای شما عجیب نیست که چرا جوان سالم تحصیلکرده عجب فقیر است؟ بله به‌دلیل اینکه اقتصاد ما توان تولید درآمد را ندارد. آن یک کیک کوچک است و سیاست‌های نامناسب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اجازه بزرگ‌شدن به آن را نمی‌دهند.

politics@sharghdaily.ir

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس

دموکراسی و همه‌پرسی

فرهاد خزانلی



یک نمای نزدیک از صندوق رأی در یک انتخابات

تصور اینکه انتخابات دوره‌ای همچون ریاست‌جمهوری یا مجلس می‌تواند جلوه‌گر نظرات مردم باشد و نیاز به همه‌پرسی را مرتفع کند، یک تصور اشتباه سیستمی محسوب می‌شود. انتخاب فردی به ریاست‌جمهوری به معنی موافقت قاطع ملت با تمام سیاست‌های اجرایی نیست. برای مثال می‌توان ایران و سوئیس را در یک مقاله مشابه مقایسه کرد. در مقوله پرداخت بارانه، مردم

سوئیس پای صندوق رای رفته و از پیشنهاد دولت مبنی بر دریافت بارانه صرف‌نظر کردند. در نقطه مقابل درصورتی‌که چنین اتفاقی در کشور

رخ می‌داد، شاید امروز این بحث و جدل درباره پرداخت‌کردن یا نکردن بارانه را نداشتیم؛ مسئله‌ای که هنوز بعد از نزدیک به یک دهه، موضوع

تلاش برای تصرف گذشته

جلال رحمانی

کشگران فردی یا جمعی می‌کوشند روایتی یک‌دست و سازگار از خود به دست دهند. آن‌چنان‌که گویی از گذشته تاکنون در یک مسیر و جهت حرکت کرده‌اند. می‌خواهند نشان دهند که آنها امروز چنان می‌اندیشند و رفتار می‌کنند که در گذشته، برای ساختن چنین روایتی، از گذشته موارد ناسازگار را کنار می‌گذارند و موارد سازگار را در قالبی تازه ارائه می‌دهند؛ اما تکنولوژی تولید و انتشار متن، با ارائه متن‌های حذف‌شده از گذشته، ساختگی‌بودن این پیوستگی را برملا می‌کند. اگر از تعبیر اورینگ گافمن جامعه‌شناس استفاده کنم، «نمایش پشت صحنه، اجرای جلوی صحنه را برهم می‌زند». آنها به ما نشان می‌دهند که در گذشته به گونه‌ای دیگر می‌اندیشیدیم و رفتار می‌کردیم و امروز به صورتی دیگر، نشان می‌دهند که کنش ما از موقعیت اجتماعی و تاریخی خاص خود تأثیر گرفته است و این روابط را قطع کردم و دوستی‌ها را برهم زدم و حمایت‌هایم به مخالفت تبدیل شد ... می‌گویم اگر قرار است با احتمال انحراف افراد در آینده آنها را کنار بگذاریم دیگر کسی استثنا نمی‌شود، اگر به‌خطر حمایت از کسی که به‌طور فعال مشغول خدمت به مردم است به جهت انحراف بعدی او باید عذرخواهی شود اول از همه باید امام خمینی (ره) به‌خطر احکامی که به خیلی‌ها دادند و تعریف‌هایی که از خیلی افراد کردند که بعدا همان‌ها بدترین افراد شد عذرخواهی کنند.

پژواک

politics@sharghdaily.ir ارسال شود.
دبھی است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده‌ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد.
روزنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.

مصدق و آزادی مطبوعات

سیدعلی حسینی

هر سال وقتی به روز ۲۹ اسفند سالروز ملی‌شدن صنعت نفت نزدیک می‌شویم، نام و یاد دکتر محمد مصدق، آن بزرگمرد آزاده و آزادی‌خواه و مردم‌دوست و میهن‌پرست در دلم جان تازه‌ای می‌گیرد و من را با خود به خطرات ایام کودکی‌ام می‌برد؛ یک‌سالو اندی قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که حدوداً دانش‌آموز سال دوم دبستان بودم و یک بار شاهد تظاهرات مردم در کوچه‌خیابان‌های خاکی شهر کوچک زادگاهم (نور) که نام مصدق را فریاد می‌زدند و با مشت‌های گره‌کرده شعار می‌دادند: «یا مرگ یا مصدق». این فریاد آن چنان در ذهنم جا گرفته است که گویی همیشه برایم تازه است. در عوالم کودکی طبعاً در درستی از این اتفاق نداشتم و نمی‌دانستم مصدق چه شخصیت بزرگی است. اما از جوش‌وخروش مردم در حد ذهنیات کودکی‌ام دریافت‌م که محبوب مردم است که این‌چنین او را از عمق جان فریاد می‌زنند. تا اینکه بعدها دانستم که مصدق شخصیت گران‌قدری است که برای استیفای حقوق ملت محروم و ستم‌دیده ایران تمام‌به مبارزه با استعمار انگلیس برخاست و با همت و پایمردی و تلاش خستگی‌ناپذیر خود و یارانش موجبات ملی‌کردن صنعت نفت ایران را فراهم کرد تا دست استعمار انگلیس را از غارت این ثروت ملی کوتاه کند. مصدق به آزادی ایران و مطبوعات، مندرج در اصل ۲۰ قانون اساسی مشروطیت مبنی بر اینکه «عاقهٔ مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضربه به دین مبین، آزاد و معیز در آنها ممنوع است...» به‌عنوان رکن چهارم مشروطیت اعتقاد و پایبندی عمیق داشت. مراجعه به آرشیو مطبوعات کوناگون سال‌های دولت ملی مصدق، اعتقاد و پایبندی تمام و تمام و غیرقابل انکار او را به آزادی بیان و مطبوعات به وضوح نشان

می‌دهد. مصدق از مدافعان سرسخت قانون اساسی مشروطیت ازجمله آزادی بیان و مطبوعات بود، چنان‌که در پیامش خطاب به ملت ایران در سال ۱۳۳۱ اظهار کرد: «برای حفظ قانون اساسی، من آن‌قدر که تاب و توانایی تحمل رنج و مشقت و تبعید و زندان را داشته‌ام تا سرحد مرگ به ملت حق‌شناس ایران آزمایش وفاداری داده‌ام و رنج سخت‌ترین حوادث را بر خود خریده‌ام».از این رهگذر است که مصدق در آغاز نخست‌وزیری خود در سال ۱۳۳۰ در ابلاغیه‌ای به شهربانی دستور می‌دهد: «شهربانی کل کشور را جراید ایران آنچه راجع‌به شخص اینجناب نگاشته می‌شود، هرچه نوشته باشند و هرکه نوشته باشد، به هیچ‌وجه نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد». مصدق اعتقاد داشت که مطبوعات آزاد، فساد و پلشتی را از مملکت و جامعه می‌زداید و موجب پاک‌سازی و پاکمانی جامعه و شفافیت و حسن جریان امور کشور می‌شود. او مطبوعات آزاد را از ارکان مشروطیت و چشم بیدار ملت می‌داند که خاطیان در مقابل این دیدگان بیدار و تیزبین کمتر باری خط و خطا دارند. مصدق در صفحه ۱۰۶ خاطرات خود به رساترین وجه این اعتقاد خود را بیان می‌کند: «آزادی بیان و قلم از این جهت جزء ارکان مشروطیت است که مردم را به نیک و بد امور و افراد آگاه می‌کند... کسانی که از بیان و قلم هراس کنند، نفع‌تها مرکب عملی می‌شوند که مخالف قانون اساسی است، بلکه خدمت به اجانب و خیانت به وطن می‌نمایند».

این نوشتار ادای احترامی است به دکتر محمد مصدق، از ارجمندترین و پاک‌دست‌ترین مدافعان مصالح و منافع ملی و آزادی بیان و قلم که نام و یاد او به پاس خدمات درخشان‌ش به ایران و ایرانی در صفحات تاریخ این مرز و بوم یادانه خواهد ماند.

امنیت هسته‌ای و خاورمیانه

حمیدرضا اسماعیلی‌نجار

که از فرانسه و روسیه به‌عنوان کشورهایی نام برده می‌شود که قصد ساخت نیروگاه برای این کشور را دارند. سوریه و عراق نیز تأسیسات هسته‌ای دارند که البته اسرائیل حمله به تأسیسات هسته‌ای این دو کشور را در کارنامه خود دارد. سؤال مهمی که با آن مواجه می‌شویم این است که آیا این کشورها توانایی لازم برای تأمین امنیت تأسیسات هسته‌ای خود را دارند؟ منطقه خاورمیانه به تنش‌ها و بحران‌های متعدد و پیچیده‌ای مواجه است. تا کنون سرعت‌های متعدد مواد هسته‌ای از تأسیسات هسته‌ای عراق گزارش شده که ریشه اصلی این مسئله، نداشتن ثبات و نبود امنیت در این کشور است. امروزه با کشورهای بی‌ثبات بسیاری در منطقه خاورمیانه مواجهیم که قصد ساخت تأسیسات هسته‌ای را برای آنچه مقاصد صلح‌آمیز اعلام می‌کنند، دارند؛ درحالی‌که با توجه به جغرافیای خاص این منطقه و شرایط آب‌وهوایی مناسب، استفاده از انرژی‌های بادی و خورشیدی برای تأمین انرژی و برق برای این کشورها به‌صرفه‌تر به نظر می‌رسد.

طبق مطالعات انجام‌شده در دانشگاه آمریکایی بیروت، توسعه برنامه هسته‌ای در کشورها برای حوزه خلیج‌فارس به‌دلیل نبود منابع اورانیمو طبیعی در این کشورها و نبود زیرساخت‌های لازم برای بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای به‌هیچ‌وجه توجیه اقتصادی ندارد و هزینه‌های هنگفتی را بر این کشورها بار می‌کند. این در حالی است که انرژی هسته‌ای گران‌قیمت، مخاطرات زیست‌محیطی فراوانی دارد. از طرفی با وجود گروه‌های تروریستی و بازنگران غیردولتی در

ادامه از صفحه اول

درس‌های جهش نرخ ارز

حتی با خریدوفروش ارز از سوی اشخاص، فقط پول از حسابی به حساب دیگر منتقل می‌شود – البته در اینجا فروش ارز از سوی بانک مرکزی را که منجر به کاهش پول پایه و نقدینگی می‌شود، کنار می‌گذاریم– پس آنچه که قیمت ارز را بالا برد،افزایش تدرت‌درست‌به‌دست‌شدن پول و نه سرازیرشدن آن از محلی مجهول‌المکان بود. اگر عنان حجم پول تا حدودی در اختیار بانک مرکزی است، عنان سرعت آن تقریباً به صورت مطلق در اختیار صاحبان پول است. با تدابیر بسته سسته‌سگانه، سرعت بخشی از نقدینگی، با ضرر و زیان فراوان – که در بحث اول عنوان شد- به احتمال بالا برای یک‌سال صفر شده است، اما آیا افزایش سرعت گردش پول را در عملکرد کل تمام تلاش‌ها برای کنترل قیمت در هر بازاری را از جمله ارز، بی‌ثمر کند؟ درباره فروش سکه و گواهی‌نامه ارزی‌شان، اگر به حساب بانک مرکزی باشد، معادل آن پول پایه و به دنبال آن نقدینگی به میزان بیشتری کاهش می‌یابد. بحران اخیر یک بار دیگر به خوبی نقش و اهمیت تغییر سرعت گردش پول را در عملکرد کل بازارهای اقتصاد ایران مانند همه اقتصادها نشان داد. محرک افزایش سرعت گردش نقدینگی می‌توانست در دوره رکود، از سوی بانک مرکزی در راستای رفع ننگهای اعتباری بانک‌های اقتصادی به‌جای افزایش نقدینگی از طریق افزایش پول پایه و کاهش نرخ سپرده قانونی به کار گرفته شود. ضرورت حفظ شأن و اعتبار مقام پولی: اعتبارسختان مقام‌های پولی و به‌ویژه رئیس کل بانک مرکزی، ضامن تحقق نتایج محتمل سیاست‌های پولی است. این اعتبار در سایه عملکرد کارشناسی و اعلام به‌موقع و درست اظهارات گذشته مقام پولی حاصل می‌شود. اعتبار‌نداشتن می‌تواند شناخته‌شده‌ترین سیاست‌ها را به نتایج خلاف برساند. در حرکت صعودی نرخ ارز، اعتمادداشتن به موضع‌گیری‌های مقام پولی، فشار افزایشی را بیشتر کرد. با پایان طرح دوهفته‌ای بسته سه‌گانه، این فشار ادامه دارد. بازار اسکناس دلار خیلی به بازار حواله دلاری مرتبط است. در شرایط عادی، حجم مبادلات حواله خیلی بالا و تعین‌کننده نرخ ارز است. قابلیت کنترل آن در ثبات مورد انتظار نرخ ارز باید ملحوظ شود و اظهارات مقامات پولی نیز باید بر اساس آن تنظیم شود. آنچه کم‌وبیش در زمینه وضعیت پولی و بانکی کشور کارشناسان بر آن وفاق دارند، انضباط مالی دولت، اصلاح ساختار بانک‌ها و تعیین‌تکلیف دارایی‌های موهوم آنها و استقلال بانک مرکزی است که در نهایت اقتصاد را به تورم زیر پنج درصد می‌رساند. مقاله اخیر دکتر مسعود نیلی در هفتمین همایش سیاست‌های پولی و چالش‌های بانکداری و تولید، جمع‌بندی سه‌گانه مناسبی را در همین زمینه برای تحقق تورم زیر پنج درصد ارائه داده است. در بهمن ۱۳۹۰ در نامه‌ای که درباره جهش ارزی آن زمان به دکتر بهمنی، رئیس وقت بانک مرکزی، نوشته بودم، ضرورت تغییر در سیاست خارجی را نیز بسیار کوتاه و با احتیاط مطرح کرده بودم. نامه به روزنامه دنیای اقتصاد هم رسیده و منتشر شده بود؛ اما به دلیل فضای کنترلی حاکم، چند خط مرتبط با سیاست خارجی حذف شده بود. شاید هم علت آن، اهمیت‌ندادن این بخش به تشخیص مسئولان روزنامه بود. حال در پایان سال ۹۶ فضای نقد و تحلیل درباره مسائل سیاست داخلی و خارجی مرتبط با مشکلات اقتصادی فراهم‌تر شده است و می‌تواند زمینه‌ساز تصمیمات ضروری و مناسب پولی کشور باشد.

ادامه از صفحه ۴

آمریکا، کره شمالی و ایران

توضیح: در درستی رهیافت مذاکره با ۵+۱ شکی نیست اما چرا تحولات روابط کره‌شمالی «دلیل روشن دیگری» بر این رهیافت است؟ در مکرل چه گفته، چطور می‌تواند دلیلی بر این امر باشد. نوشته‌اند: ... به طور طبیعی برای ما به‌عنوان واضع ایده، قاعدتاً نباید ملاقات با مسئولان آمریکایی هنوز در حکم «تابو» باشد؛ تا‌جایی‌که تلاش رئیس‌جمهور امانوئل مکرون در زمان جمع عمومی سازمان ملل متحد نیز ناگام گذاشته می‌شود. توضیح: چه کسی گفته تابو است؟ مسئولان آمریکایی هنوز برای ما در حکم تابو است. بحث ملاقات با تیلر‌سون را می‌گذارم برای وقتی دیگر، درباره ملاقات روحانی با ترامپ، اول اینکه با توجه به سوابق، امکان نداشت در یکی، دو روز درباره ملاقاتی با آن اهمیت در نیویورک تصمیم گرفت. دوم اینکه روحانی رئیس کشور نیست و برای آن ملاقات باید هماهنگی می‌کرد و مهم‌تر از همه هدف ترامپ از آن ملاقات ابلاغ او التیماتومی به ایران بود و نه مذاکره. نوشته‌اند: موارد فوق در‌زمره تحولاتی است که باید آن را جدی گرفت و برای کاهش تنش با آمریکا که در صورت استمرار ممکن است به مرحله کنترل‌ناپذیری برسد، اقداماتی انجام داد. توضیح: چه تصمیمی باید گرفت. وقتی ترامپ حاضر به مذاکره نیست و بی‌محابا فقط فحاشی می‌کند، چه اقداماتی باید بشود. البته من معتقدم که اقداماتی می‌توان کرد و باید کرد اما این اقدامات فقط می‌تواند عملی و مثلاً در منطقه و... باشد. چندی پیش ایشان در همین روزنامه «شرق» توصیه کرده بودند که ایران باید در قبال عربستان خطی مثل خط آب‌تانشان را در پیش بگیرد. آیا ایشان نمی‌داند که ایران و بعد از قضیه سفارت همه‌جور آماده مذاکره و مفاهمه بوده و این عربستان است که شرایطش تغییر کرده و آماده هیچ رقم مذاکره‌ای نبوده و نیست. حرف جبر در‌باره «حرف‌های خنده‌دار» یادشان نیست.